

بررسی روان‌شناختی تربیت و تعالی جوان به سوی نماز از منظر اسلام

محسن کاشانی، روح اله سالک بغدادآبادی، زهرا دستجردی

چکیده

در سبک زندگی اسلامی همیشه به دنبال «مدینه فاضله»ی هستیم تا در این شهر، رشد معنوی جوان به خودی خود تحقق پیدا کند. در جوامع امروزی که در ذهن جوانان مسلمان جهان، شهرهایی را ساخته‌اند که رنگی از اسلام در آن وجود ندارد و در این شهرها معنویت وجود ندارد. شهرهایی که مالا مال، شهوت‌ها و امیال دنیایی و شیطانی را دنبال می‌کنند و حاکمان در این شهرها ناخدایانی هستند که سردمداران‌شان شیاطین انسانی هستند که برای رسیدن به امیال و منافع دنیایی خود از هیچ تلاشی فروگذار نیستند. در مقابل نظاره‌گر این واقعیت هستیم که والدین نسبت به تربیت دینی و خصوصاً نماز فرزندان خود، توجهی ندارند و چنین می‌پندارند که فرزندان خودشان راه خود را پیدا می‌کنند و بیشترین توجه والدین تأمین نیازهای مادی فرزندان است. چنین والدینی، فرزندان خود را در مسیر ورزش نسیم دل‌نشین تربیت دینی قرار نمی‌دهند تا بوی خوش معنوی نماز از وجود و فطرت فرزندان‌شان در خانواده و اجتماع را پر کند. اگر این فرزندان در خانوادهمای رشد یابند که ارزش‌های معنوی و آموزه‌های دینی را سرلوحه امور خود قرار داده‌اند، آن‌گاه فرزندان نیز به ارزش‌های دینی مانند نماز اهتمام ویژه‌ای پیدا می‌کنند. ساختار تربیتی فرزند در خانواده تشکیل شده و به تدریج به تکامل می‌رسد و با این سبک از زندگی اسلامی، کم‌کم شاهد شکل‌گیری جامعه خواهیم بود که همانند مدینه فاضله‌ای، فرزندان در این جامعه بزرگ می‌شوند و با قدم زدن در این شهر، از هر طرف آموزه‌های اسلامی را می‌آموزند. در این تحقیق که به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است، سعی داریم تا به بررسی «تعالی معنوی جوان، با سبک تربیت و زندگی اسلامی» بپردازیم. در پارهای از موارد هم اشاراتی به صورت «تحلیلی - توصیفی» به علل دین‌گریزی جوانان را که نشأت گرفته از عدم آگاهی خانواده از عملکردها و رفتارهای دینی، ویا افراط‌ها و تفریط‌ها هست را بیان می‌کنیم، تا بتوانیم قدمی را در نهادینه کردن فرهنگ نماز در خانواده و جامعه برداشته باشیم.

واژگان کلیدی: زندگی، سبک اسلامی، خانواده، تربیت، نماز، جوان.

مقدمه

ایجاد هر رفتاری نیاز به زمینه‌سازی دارد و تربیت و ایجاد فرهنگ اسلامی نیز به خودی خود محقق نمی‌شود، درست مانند بسیاری رفتارهای دیگر باید زیرساخت‌های چنین رفتاری در خانواده و در مرحله بعد در آموزش ایجاد شود که این زمینه‌سازی در مرحله سوم به اجتماع ارتباط پیدا می‌کند که این فرهنگ‌سازی که از نهاد خانواده شروع می‌شود، قطعاً قابلیت جهانی شدن دارد که با کمک رسانه، این امر شدت و سرعت خواهد گرفت. حتی با تکرار این آموزش‌ها این روند تقویت شده و اثرگذاری آن فزونی می‌یابد. والدین با تقویت گرایش‌های مثبت به سمت آموزه‌های اسلامی همانند نماز، می‌توانند این رفتار را در فرزندان نهادینه کنند و اگر چه در ادامه روند این آموزش در خانواده، محیط آموزشی و سایر عوامل تأثیرگذار نیز موظف به همراهی با خانواده هستند، ولی از اولیای کودکان انتظار می‌رود.

خوشبختی و عاقبت بخیری فرزندان به رابطه‌ی آنها با آفریدگار و خالق شان پیوند خورده است؛ پس والدین می‌بایست با دلسوزی و صبر به دنبال راه‌های جدید در تربیت باشند به مانند؛ ابتکار در آموزش، بیان طرح مسأله و شیوه‌های مناسب دعوت به نماز باشیم و این هنری است که خانواده باید آن را فرهنگ‌سازی کند؛ زیرا نماز و نیایش، نیاز درونی انسان است و این آموزه را باید به گونه‌ای رغبت‌انگیز و متناسب با روحیات مدعوین به نماز جست‌وجو کرده و براساس آن اقدام کرد، و با چنین تربیتی می‌توان به صورت تدریجی فرهنگ نماز را، فرهنگ غالب جوانان و در هدفی بالاتر فرهنگ و آرمان جامعه نمود.

انتخاب همسری متدین و دین‌دار؛ اولین قدم در راستای ایجاد خانواده پایدار

برای نهاد خانواده اولین قدم در راستای ایجاد فرهنگ اسلامی، انتخاب همسری متدین و دین‌دار است (برای خانواده) که این اولین قدم برای تربیت فرزندی متدین و نماز خوان بسیار حائز اهمیت است که متأسفانه توجهی به آن نمی‌شود. نقش حساس و اثرگذار تربیتی والدین با گزینش همراهی دلسوز و مقید به آداب اسلامی شروع می‌شود و این نکته‌ای است که باید آن را نادیده نگرفت و از آن غفلت نورزید؛ چرا که حتی ممکن است با انتخاب ناصحیح همسر، حتی رفتارهای کل خانواده نتیجه‌ای عکس را در پی داشته باشد. اگر خانواده‌ها در هنگام ازدواج به خصوصیات معنوی همسر هیچ توجهی نداشته باشند و اصلاً ملاکی را خصوصیات دینی و اخلاقی را برای شریک آینده‌شان در نظر نگیرند، پس در تربیت و پرورش دینی فرزند خود دچار چالش‌های فراوانی خواهند شد. از باب نمونه عرض می‌کنیم در خانواده‌ای که پدر ادای فریضه نماز سهل‌انگاری می‌کند و به آداب دینی اهمیّت نمی‌دهد، نمی‌تواند انتظار این را داشته باشد که در آینده، جوان نمازخوان را تربیت کند؛ زیرا می‌توان فرزندان را آئینه تمام‌نمای رفتارهای خود والدین تلقی نمود و پُر واضح است که نقطه آغازین تربیت جوانی نمازخوان را می‌توان از قبل از دوران ازدواج جست‌وجو نمود. اگر والدین در هنگام انتخاب شریک زندگی‌شان دغدغه و آرزوی فرزندان متدین و نمازخوان را دارند، باید در زمان ازدواج، خصوصیات باطنی همسر خود را مدنظر داشته باشند.



اهتمام به نقش مادر در شکل‌گیری شخصیت اصیل افراد خانواده

در یک خانواده رفتارها و آموزه‌های در خانه که از کودکی و به صورت تدریجی با گوشت و پوست فرزندان رشد می‌کند و در هم می‌آویزد. بیشترین شخصیت مذهبی فرزندان در همین دوران رشد کرده و با ورود فرزندان به اجتماعات بزرگ‌تر، تأثیرات این تربیت نمایان می‌شود. خوب است ابتدا از نقش تربیتی مادران در تربیت جوانی نماز خوان شروع کنیم. اگر مادران را بنیانگذاران کمال و مهندسان تفکرات دینی فرزندان در خانواده بنامیم، قطعاً چنین تسمیه‌ای را نباید غالیانه دانست؛ چرا که مادران با ایجاد نخستین بارقه‌های نور، در ذهن فرزند، نخستین چراغ آگاهی را پیش پای فرزندان قرار می‌دهند و مادران هستند که بدون هیچ چشم‌داشتی تمام عمر خود را وقف تربیت فرزندان می‌کنند که همین فرزندان آینده‌سازان نظام و مملکت‌اند. پس لازم است که جامعه و مسئولین، بالاترین مقام معنوی و دنیوی را برای مادر قرار دهند و به هر بهانه‌ای از مادران تقدیر و تجلیل به عمل آید. در خانواده اسلامی، مردان و زنان را به تناسب ساختار وجودی و عاطفی، وظایف و مسئولیت‌هایی است که هر کدام موظف به ایفای آن هستند. گفتیم امر ولایت در خانواده به عهده مرد است و اوست که باید خود و خانواده را از آتش دوزخ و از جهنمی شدن نجات دهد. مرد است که باید خانواده‌اش را به نماز فرمان دهد که در داستان حضرت اسماعیل آمده است: او اهل خانه‌اش را به نماز فرمان می‌داد.

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا.»^۱

در کتاب نورانی قرآن و سنت نبوی و سیره معصومین و همچنین مطالعه تاریخ در می‌یابیم که در طول تاریخ، زنان خداجو، خدمات آموزنده‌ای را راه دین

۱. سوره مبارکه مریم؛ آیه ۵۵.



و برای پاسداری از دین و اثرگذاری در جامعه بوده است. مادر موسی که با وحی فرزندش را از مرگ نجات می‌دهد.

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلَيْهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»^۱

حضرت آسیه با تدبیر و مهربانی خود توانست آتش و سوسه فرعون را در قتل موسی فرو نشاند؛ و جان پیامبری را نجات دهد و تا بدان حد که موسی را به فرزندی پذیرفتند و با این کار خود عالمی را از گمراهی و ضلالت نجات دهد.

«وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»

در سبک زندگی اسلامی، نقش و جایگاه تربیتی مادرانه به قدری هست که می‌توانند رجوع به خداوند و عشق ورزیدن به خداوند را در دل فرزندان و جوانانشان قرار بدهند و تنها مادران هستند که می‌تواند با تربیت سازنده، آینده‌ای روشن و یا آینده‌ای تیره را برای جوانش رقم بزنند و نمی‌توان از نقش مادران در هدایت و ترغیب جوانان به نماز غافل شد.

مفضل می‌گوید که از مولایم حضرت صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: خداوند

به موسی علیه السلام فرمود:

پسر عمران! دروغ می‌گویی آن کسی را که چنین می‌پندارد مرا دوست دارد، در حالیکه چون شب می‌شود از من چشم می‌پوشد و به خواب می‌رود. مگر غیر از این است که هر عاشقی خلوت با معشوق خود را می‌پسندت؟ هان ای پسر عمران! این منم که بر دوست دارانم آگاه هستم. چون شب شود چشم دلشان باز شده و عذاب من در مقابل دیدگانشان مجسم می‌شود و مانند کسانی که مرا با چشم می‌بینند با من به سخن می‌نشینند و (گویی) رو در رو به گفت‌وگو می‌نشینند. ای

۱. سوره مبارکه قصص: آیه ۷.



پسر عمران! در دل شب‌های تاریک از دلت خشوع و از جسمت
خضوع و از چشمانت قطرات اشک نثار من کن و مرا بخوان که مرا به
خود نزدیک و اجابت کننده حاجت خواهی یافت.^۱

در سبک زندگی اسلامی، مادر برای فرزند مربی مهربان و الهی‌ای دوست داشتنی
است که قبل از دنیا آمدن با این مادر مأنوس و رفیق بوده است. فلسفه زندگی را
نخستین بار از مادر می‌آموزد و راه و رسم درست زیستن را در ابتدا از مادر می‌آموزد.^۲
مادران، مسئولیت بزرگ تربیت جوانان نماز خوان و متعهد به شرع و شریعت را به
عُهده دارند، تربیت خوب می‌تواند سعادت ملّتی را تأمین کند و تربیت سوء می‌تواند
جامعه‌ای را به فساد و تباهی بکشد. زنان می‌توانند برای آتیه مملکت، جوانانی با
انگیزه‌های معنوی تربیت کنند. امام سجاده علیه السلام در مورد حق فرزند می‌فرماید:

«حق فرزند بر تو این است که بدانی وجود او از توست، بد و خوب
او در دنیا به تو ارتباط دارد بدانی که مسئول تربیت او هستی. او را چنان
تربیت کن که خود را در مقابل نیکی به او مأجور و در مقابل بدی به او
معدّب و معاقب بدانی.»^۳

آیت‌الله العظمی سبحانی در اثر ارزشمند خود با نام «شرح رساله حقوق
سیدالساجدین» توضیح می‌دهند که فرزند به پدر انتساب داده می‌شود هر چه هم پدر
بخواهد او را از خود دور کند سایه پدر بر سر او هست. پس اعمال خوب یا نا صحیح
او به پدر هم نسبت داده می‌شود، لذا امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ
الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ، عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَعُونَةَ عَلَى طَاعَتِهِ، فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَن يَعْلَمُ
أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ.^۴

۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ ج ۸۴، ص ۱۳۹.

۲. قائمی، علی؛ اقامه نماز در دوره کودکی و نوجوانی؛ ص ۱۴۷.

۳. احمدیار، محمدحسین؛ رساله الحقوق؛ ص ۱۳۷.

۴. سبحانی، جعفر؛ شرح رساله حقوق سیدالساجدین؛ ص ۳۵.



در ابتدا پدر مسئولیت تربیت و ادب اخلاق فرزند است و آموزش این رفتار بر گردن پدر نهاده شده است، البته اخلاق به صورت بالقوه در درون وجود فرزند هست باید موانع را برطرف کند تا گل‌های معطر خوبی‌ها از شاخسار وجود او آشکار شود.^۱

دوم: و الدلالة علی ربه؛ او را به خدا راهنمایی کن، فرزندان خداپرست چراغ آینده خانواده‌اند.

سوم: وَالْمَعْوَنَةَ عَلٰی طَاعَتِهِ فیک و فی نفسه؛ او را در اطاعت تو و یا در اطاعت خودش کمک کن، مانند این که بگویند: الان ماه رمضان است دخترم و پسرم باید روزه بگیرند، باید پدر و مادر مقدمات و لوازم افطاری و سحری را به نحوی آماده سازند که آنها به انجام وظیفه موفق شوند نه اینکه به این واجب بی تفاوت باشند و همچنین باید در دیگر احکام اسلام شرایط را فراهم کنند و نه این که مانع به حساب آیند. پدر تا آن اندازه کمک کند که طاعت کردن برای فرزندان ملکه شود.^۲

در روش تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام حقوقی را برای فرزند بر پدر برشمرده‌اند که در همه آن‌ها اشاره به تربیت مذهبی و دینی (که نماز یکی از اینها است) اشاره شده است. در فرهنگ اسلام، مسئولیت تربیت اجتماعی فرزندان به عهده پدر است. اگر چه محیط، مربیان و معلمان، مدرسه و جامعه، رهبران دینی و سیاسی همگی مکلف به زمینه‌سازی جهت تربیت فرزندانند، ولی این امانت الهی بر گردن پدر خانواده است که باید تلاش خود را گسیل کند تا این اتفاق برای اهل و عیالش ظاهر شود که آرامش و پاداش دنیوی و اُخروی این تلاش را خواهند چشید.

۱. همان.

۲. همان؛ ص ۳۶.



در آموزه‌های دینی تأکید بر توجه به قلب اولاد در دوران کودکی است. امام علی علیه السلام در این رابطه به امام حسن علیه السلام فرموده است:

«فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ علیه السلام: إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ

فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ، وَيَسْتَعْلِلَ لُبُّكَ»^۱

«قلب نونهالان همچون زمین خالی (آماده کشت) است. هر چه

در آن بریزی آن را می‌پذیرد. به همین جهت (ای حسن، پسر من) همت

من به تربیت تو بوده، قبل از آن‌که دلت (به واسطه ورود اموری دیگر)

سخت (و غیر قابل کشت) شود.»

این جملات نورانی به وضوح این مطلب را بیان می‌کند که اگر از کودکی فرزندانمان به فکر تربیت‌شان نباشیم و آنها را تربیت صحیح نکنیم، آموزه‌های دیگران بر فرزندانمان تأثیر می‌گذارد و نمی‌توان آتیه روشنی را برای آنها در نظر بگیریم و بر پدران لازم است به این امر مهم همت گمارند.^۲

در جوامع غیر اسلامی تمام سعی پدران صرفاً برای برآورده کردن نیازهای دنیوی، تحصیلی فرزندان است. فرزند سالاری جایگزین والدین سالاری‌های شده است، ولی در سبک زندگی اسلامی تعادل رعایت می‌شود و نباید در هیچ امری افراط یا تفریط نمود. افراط، همراه با تفریط و غفلت از عظیم‌ترین بُعد وجودی فرزند (یعنی جنبه معنوی و مذهبی) است. در حقیقت وظیفه اصلی پدران را می‌توان، بسترسازی و مانع‌زدایی تربیتی و پرورشی دانست. با رفتارهای افراطی والدین به جنبه‌های دنیوی و تمرکز بر اعتبارات اجتماعی سبب شده است والدین از عواقب چنین غفلتی آگاه نباشند و آتیه فرزندان خود را به نابودی بکشند و بی‌توجهی به بُعد معنوی فرزند از هر چیز دیگری حیاتی‌تر است.^۳

۱. مجلسی، محمدباقر؛ *بحارالانوار*؛ ج ۱، ص ۲۲۳.

۲. افروز، غلامرضا؛ *روش‌های پرورش احساس مذهبی*؛ ص ۸۱.

۳. همان.

از ضروری‌ترین نیازهای آدمی برای رسیدن به کمال مذهب است و این نیاز از ابتدای خلقت آدم ابوالبشر تا الان ریشه در وجود آدمیت دارد و برای توسعه زندگی فردی و اجتماعی و حرکت و تکامل انسان‌ها بسیار حیاتی می‌باشد که در سبک زندگی اسلامی که در حال جهانی شدن هست این بُعد بسیار پر رنگ است و عالمان و رهبران مذهبی به دنبال ایجاد این بُعد از زندگی هستند. تعالی و پرورش مذهبی خانواده اسلامی و خصوصاً در فرزندان از وظایف عمده پدر است. شور و شوق رسیدن به کمال و فضیلت ایجاد کرده که نقش مذهب در زندگی فردی و اجتماعی نقشی تعیین‌کننده باشد. پدر باید با در نظر گرفتن این روح بی‌نهایت، این احساس را در جوان خانواده تثبیت و آن را ارتقاء بخشد. پدر به‌گونه‌ای تدریجی، آموزش‌های لازم مذهبی را به کودک انتقال داده و از فشار بی‌حد و به دور از توان فرزندان و خصوصاً جوان خودداری کند و به‌گونه‌ای ذهن فرزندان در این مسیر پُر پیچ و خم شکل دهد و بسازد که وی عمیقاً بتواند پایبند مذهب شود و از لغزش‌ها به دور باشد. همین‌طور پدر با عملکرد خود باید مسائل مختلف را به جوان القا کند؛ زیرا هیچ چیز بهتر از عملکرد مورد توجه فرزندان قرار نمی‌گیرد. پدر با عرضه عقاید و اعتقادات مذهبی، فرزند خود را با آداب مذهبی آشنا کرده و با رفتارهای پسندیده و شور انگیز خود، فرزند با شخصیتی متدین پرورش دهد؛ زیرا طفل در اعمال خود، پدرش را سرلوحه و الگوی رفتاری قرار می‌دهد.^۱

بسیاری از روان‌شناسان یادگیری را عبارت از راه ایجاد و تقویت رابطه و پیوند بین محرک و پاسخ در سیستم عصبی می‌دانند و به‌عبارت دیگر این‌که باید با ایجاد رفتارهایی خوشایند در فرزندان، بسترهای یادگیری را در آن ایجاد نمود.

۱. بهشتی؛ سید محمد؛ تربیت از دیدگاه اسلام؛ ص ۱۵۳.



اگر با تدبیر پدران، مراسم دینی هم‌زمان با امور خویشایند کودکان همراه شود، شکی نیست که علاقه‌مندی انجام فرایض دینی مانند نماز برای فرزندان دو چندان می‌شود و در صورتی که در کنار این احساسات خوشایند تشویق هم قرار گیرد، حتماً خاطره‌ای خوش از دین بر جای خواهند گذاشت و این رفتار مذهبی در ذهن فرزند ماندگار می‌شود. زمینه‌ساز تجربیات خوش و نیز اختصاص لحظات با نشاط زندگی، با آموزه دینی شکوه و عظمت دین و مذهب را بیش از پیش نشان می‌دهد. تردیدی نیست که بسیاری از دین‌گیزی‌های جوانان ریشه در فشارها و تحمیل‌های ناروا و احساس ناخوشایند دوران کودکی‌شان دارد.^۱

در سیره اسلامی و نبوی همراهی والدین در تعالیم و هدایت‌های دینی و آمیختن آن با عطوفت و مهربانی، نوعی پیوند قلبی دینی را به بار می‌آورد؛ چراکه انسان ناخودآگاه به واسطه امری ملازم و مکتوب ملازم دیگر را می‌پذیرد. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: **الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ**^۲

ایجاد فضای آمیخته با عطوفت و محبت می‌تواند معجزه ایجاد کند. والدینی که دغدغه تربیت مذهبی فرزند را دارند، نباید در راه تربیت از محبت و عطوفت غافل باشند و سعی کنند که از معجون حسن معاشرت و ملاحظت بهره ببرند و به جای پرخاشگری و دستورات آمرانه این سنت نبوی را مراعات کنند؛ چراکه رسول الله ﷺ فرمودند:

أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ^۳
أَجْمَلُ مُعَاشَرَتِكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ^۴

۱. اتکینسون، ریتا؛ *زمینه روان‌شناسی*؛ ترجمه: محمدنقی براهنی؛ ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. مجلسی، محمدباقر؛ *بحارالانوار*؛ ج ۸۴، ص ۱۳۹.

۳. حر عاملی، محمد بن حسین؛ *وسائل الشیعه*؛ ج ۵، ص ۱۲۶.

۴. نوری، میرزا حسین؛ *مستدرک الوسائل*؛ ج ۲، ص ۶۷.

مراقبت والدین در همنشینی فرزند با دوستانی که همراهی‌شان زنده کننده انگیزه‌های مذهبی است، در هدایت فرزندان به سمت نماز بسیار حکیمانه است. والدین سعی کنند تا فرزند خود را همراه بچه‌های مسجدی دارای خانواده مذهبی نمایند و در این مورد سعی کنند مستقیماً ورود نکنند و در این راستا می‌توان محله و مدرسه مذهبی را برای زندگی انتخاب نمود تا این همنشینی با همکلاسی و همسایگانی باشد که عمل به فرایض را ارزش می‌دانند. همسالان را می‌توان یک سازمان غیر رسمی دانست که معمولاً از افراد هم‌سن و سال تشکیل شده است که بر تفکرات و رفتارهای یکدیگر مؤثر خواهند بود. همسالان به افرادی گفته می‌شود که در یک سطح رفتاری با یکدیگر تعامل دارند و یا در چند صفت مشترک هم‌سانند.

امام رضا علیه السلام نیز بیانی روشن از دوستی دارند:

مردم را به وسیله دوستانشان بیازمایید؛ زیرا انسان تا صفتی همگون و مناسب روحیه خود را در دیگری ندیده و آن را نپسندد با او طرح دوستی در نمی‌ریزد.^۱

پس دوستی هم‌سالان مبتنی بر صفت یا صفات مشترک در بین همسالان است.

تربیت دینی فرزندان در سیره معصومان علیهم السلام

در دین اسلام گرانقدرترین چیز شناختن خداوند متعال و تسلیم محض بودن در برابر خداوند قادر متعال و حکیم است که در سبک زندگی غربی، اصلاً هدف‌گذاری‌ای برای رسیدن به شناخت و معرفت خدا وجود ندارد. در سیره معصومین علیهم السلام مادیات در جایگاهی بعد از عبادت و تربیت اسلامی قرار دارد و

۱. نهج البلاغه، ص ۲۹۷.



اگر چه در نشر و گسترش آموزه‌های اسلامی نیاز به خمس و زکات است، ولی ابتدا باید فکر و روان را بسازیم تا به مرحله بعدی که ظواهر است برسیم. برای همین موارد است که اعمال و حرکات عبادت‌نما، در صورتی واقعاً عبادت و عبودیت خواهند بود که نمازگزار با خدا و رسول او آشنا باشد. درست است که کودک توان معرفت خدا را - چنان‌که بزرگسالان دارند - ندارد، اما توان درک محدود از خداوند را دارا هستند. از این رو قبل از آموزش نماز باید تا حدودی با معبود خود آشنا شوند (مرحله زمینه‌سازی) و فرزندان مقدماتی را برای این آشنایی نیاز دارند - ابتدا به ساکن - نمی‌توان به سراغ مباحث کلان و اساسی رفت.^۱

۱۲۸

در ایجاد عادت به نماز اگر والدین، فقط فقط متوجه آن باشند که فرزندشان، اعمال و أوراد نماز را در مواقع معین و با رعایت شرایط لازم بیاموزد کفایت نمی‌کند، بلکه اعمال و أوراد ظاهری، باید با یاد خدا و تقویت عبودیت همراه باشد، زیرا اگر توجه والدین فقط به انجام ظاهری نماز باشد پس در واقع، چنین فردی همانند ماشینی خواهد شد که در مواقع خاصی اعمالی را بدون اراده و آگاهی تکرار می‌کند. درست است که فرزندان در سنین کودکی از چنان رشدی برخوردار نیست که بتواند رموز و اسرار نماز را درک کند و چنان انتظاری از فرزند معقول هم نیست، اما این نیز مجوز ایجاد عادت مکانیکی نماز در فرزند نیست. برای مصون ماندن از این آسیب، یک راه حل ارائه شده و آن این‌که زمانی به کودک نماز را آموزش دهیم که توان فهم اجمالی نماز را داشته باشد. کودکی که می‌تواند دست چپ و راست خود را تشخیص دهد، می‌تواند تصویری هر چند مبهم از اصل نماز که اظهار خضوع و خشوع در برابر خالق یکتاست داشته

۱. شعبانی، اکبر؛ روان‌شناسی تربیت کودک در سیره معصومین (ع)؛ ص ۲۱۸.

باشد؛ از این رو توصیه شده در سن ۵ - ۶ سالگی که کودک از چنین فهمی برخوردار می‌شود، آموزش نماز شروع شود. در این سن، کودک تنها با روح عبودیت و عصاره نماز که سجده در مقابل خداوند یکتاست، آشنا می‌شود و یک سال بر همین منوال عمل و تمرین می‌کند. به علاوه در طول مدت آموزش نماز، فوائد و آثار و اسرار نماز نیز در حد فهم کودک بیان می‌شود؛ چنانکه امام صادق علیه السلام قبل از حلول ماه رمضان درباره این ماه و فضائل آن با فرزندان خود گفت‌وگو می‌کرد. بدین ترتیب، تمرین نماز و عادت به آن با آگاهی و فهم از نماز همراه می‌شود و آثار سوء تربیت مبتنی بر عادت از بین می‌رود.

نوع برخورد گفتاری، فیزیکی و عاطفی با خطاهای فرزندان باید به گونه‌ای باشد که فرد متوجه خطا و اشتباهش بشود و احتمال برگشت از انحراف هم برود. از این جهت بهتر است برای جبران یا گوشزد خطاها به گونه مستقیم وارد نشویم. برخوردهای مستقیم، زشتی گناه را می‌شکند و اگر والدین مصلحت دیدند تا کسی را برای خطا و لغزشی گوشزد کنند، می‌توانند آن را به طور عمومی در وقت مشترک حضور اعضای خانواده مطرح کنند. مرور و بازنگری روایات تربیتی نشان می‌دهد که پیشوایان معصوم علیهم السلام در تربیت فرزندان خود، از شیوه تنبیه بدنی بهره نمی‌گرفتند، بلکه می‌تواند یک نوع محروم کردن فرزند از تفریحات مورد علاقه‌اش باشد مانند اینکه برای مدت محدودی اسباب بازی مورد علاقه‌اش را در کمد قرار بدهد و برای مدت محدود با آن بازی نکند.

اگر والدین توانسته باشد یک رابطه تنگاتنگ با فرزند خویش برقرار کند، قادر می‌شود او را به شیوه‌های دلخواه و مورد علاقه خود هدایت کرده و او را تربیت کند. یکی دیگر از مسائل مهم تربیتی که والدین در ارتباط با فرزندان باید بدانند، اینکه او را نسبت به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها آگاهی داده و قدرت تشخیص را در آنان تقویت کنند و این مسأله مهم زمانی به واقعیت خواهد

پیوست که پدر بتواند ارزش هر چیزی را در ذهن کودک درست و بجا جایگزین کند. در این شرایط بازآفرینی آموخته‌ها راحت‌تر و لذت‌بخش‌تر خواهد شد.^۱ برای مثال: اقامه نماز با مهمانان و خانواده‌های فامیل در مسجد محل، اقامه نماز در نماز جمعه، اقامه نماز در پارک‌ها، برگزاری نماز در میدان‌های ورزشی، و... می‌تواند برای کودکان و نوجوانان خوشایند و دوست‌داشتنی باشد.

والدینی که اهل عبادت و نماز هستند، می‌توانند مواقعی که اقوام دور هم جمع شده‌اند، نماز را به جماعت در خانه برگزار نمایند و با خوش‌رویی فرزندان‌شان را به نماز دعوت کنند. به تدریج این فریضه را می‌توان از منزل به مسجد محل کشانید. برای این کار پدر باید نزدیکی‌های اذان مغرب، فرزندان خود را به پارک ببرد و همین که صدای اذان به گوش رسید، با مهربانی رفتن به مسجد را به فرزند پیشنهاد نماید. در امور گوناگون، تشویق و تأیید فرزندان موجبات ترقی آنها را ایجاد می‌کند. البته افراط و تفریط در تشویق هم آسیب‌هایی را به دنبال دارد. وقتی فرزندمان را به مسجد می‌بریم و او روی زمین بین صفوف جماعت دراز می‌کشد و صورتش را به سجاده و مهر می‌مالد، به جای آن‌که پای او را گرفته و حالتش را به صورت سجده بزرگسالان درآوریم و یا به او غضب کنیم، بهتر است همان رفتار کودکانه‌اش را تشویق و تأیید کنیم. تشویق و پاداش دادن باعث می‌شود که رفتارهای مطلوب بارها و بارها تکرار شود و به موازات رشد ذهنی و حرکتی فرزندمان زمینه‌ی یادگیری حرکات نماز فراهم می‌آید.^۲

تشویق با استمرار کارهایی شبیه آفرین و تحسین گفتن، نگاه محبت‌آمیز با چاشنی یک لبخند، تحسین فرزند در حضور دیگران به‌خصوص آن‌هایی که او را

۱. کریمی، عبدالعظیم؛ *نماز و خانواده*؛ ج ۱، ص ۱۱۱.

۲. بهشتی؛ سید محمد؛ *تربیت از دیدگاه اسلام*؛ ص ۱۹۹.

می‌شناسند، مثل گروه همسال، هم‌درسی‌ها، معلمان و...^۱ همان‌طور که خانواده‌ها به جشن تولد کودک اهمیت می‌دهند، برای ایجاد خاطره‌ای بیاد ماندنی از نماز لازم هست به جشن تکلیف او نیز اهمیت دهند. جشن تکلیف می‌تواند خاطره خوشایندی از نماز را در ذهن فرزند ایجاد کند. خداوند یکی از ایام الله را روز به تکلیف رسیدن کودکان می‌داند. سختگیری در اقامه نماز فرزند و توجه نداشتن به توانایی‌های جسمی، عاطفی و شخصیتی او، نه تنها او را به نماز تشویق نکردیم، بلکه به تدریج در وجودشان احساس ناخوشایندی نسبت به نماز پدیدار می‌شود و ممکن است به مرور زمان از نماز و آداب و احکام دین هم فاصله بگیرد. در یادگیری اذکار، آداب و ترتیب نماز بیشتر دچار مشکل می‌شوند، در ادامه نماز را یک تکلیف سخت پنداشته، زمینه سستی و یا گریز از دین در آن‌ها ایجاد می‌شود. شایسته است که نماز را برای فرزندان، ساده و آسان جلوه دهیم و با رفتاری همراه با عطوفت و مهربانی، احساس و نگرشی مثبت نسبت به نماز در ناخود آگاه فرزندمان ایجاد کنیم، آن‌ها با علاقه درونی و اشتیاق تمام در اقامه نماز خواهند کوشید لازم است همواره در ارتباط با یادگیری نماز توسط کودکان به خصوص در مورد آن‌هایی که به سن تکلیف نرسیده‌اند، آنچه خوب می‌دانند مورد توجه باشد و نه ضعف‌ها و ناتوانی‌ها.^۲ مولایمان علی علیه السلام می‌فرماید: فرزندان خود را به عادات و آداب خود مجبور نکنید؛ زیرا آن‌ها برای زمانی غیر از زمان شما خلق شده‌اند. تأکید ما بر نکات مثبت رفتار بچه‌ها سبب می‌شود که اعتماد به نفس آن‌ها قوی‌تر شده با احساس خود ارزشمندی، انگیزه غنی و توجه بیشتر موضوعات و مطالب مورد نظر را بهتر بیاموزند و با آمادگی و جرأت موفق به انجام آن شوند، باید سعی کنیم با تشویق و ترغیب، قدرت تحمل آن‌ها را

۱. قاسم‌پور، علی محمد؛ *مرواریدهای مهجور*؛ ص ۵۱.

۲. مطهری، مرتضی؛ *طهارت روح*؛ ص ۶۱.

افزایش دهیم و از تحقیر شخصیت آن‌ها خودداری کنیم. هرگز نباید نماز خواندن کودکان دیگر را به رخ فرزندان بکشیم و احساس حسادت، حقارت، خود کم‌بینی و گریز از مسجد و نماز را در او ایجاد کنیم. هرگز نباید به سرزنش آن‌ها پردازیم. ایجاد جذابیت و تنوع در برنامه‌های نماز، در ادامه‌دار شدن نمازگزار بسیار مؤثر است. به عبارت دیگر؛ این‌که نماز جنبه‌های مختلفی دارد و تنها به بُعد فردی محدود نمی‌شود. فرزندان در خانواده تنها با بعد فردی نماز آشنا می‌شوند، ولی برای آشنایی با جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نماز شرکت دادن آنان به همراه افراد خانواده در نماز جماعت، مسجد و نماز جمعه ضروری است. شرکت دسته جمعی افراد خانواده در جمع نمازگزاران، ضمن این‌که نوعی نشاط را در نماز به همراه خواهد داشت و آن را از یک نواختی و کسالت‌بار بودن بیرون می‌آورد، سبب نهادینه شدن نماز در میان اعضای خانواده و خصوصاً فرزندان می‌شود و انگیزه انجام نماز را بالا می‌برد.

نکته‌ای بسیار مهم این‌که در سال‌های اول و مخصوصاً در دوران خردسالی، در نماز به گونه‌ای عمل کنیم که کودک احساس جبر و خستگی نداشته باشد. نماز را برای او امری سنگین و کسل‌کننده نسازیم. به مصلحت اوست که نمازها با ذکرهای طولانی، رکوع و سجود خسته‌کننده و طولانی نباشد، حتی می‌توان برای رعایت حال بچه‌ها، آن را سریع‌تر بخوانید. از برخی از کار مستحبی صرف‌نظر کنید. هشیار باشید که او طفل است و حال و روحیه شما را ندارد؛ خصوصاً این‌که از بسیاری از حالات و رفتار شما سر در نمی‌آورد و معنی عبارات شما را نمی‌فهمد.^۱

۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ نقش فعالیت‌های فوق برنامه در تربیت نوجوانان؛ ص ۷۴.

ممکن است فرزند در سنین خردسالی در وسط نماز به دنبال شیئی جاذب بدود، پرنده‌ای، حیوانی، نظر او را جلب کند و او به دنبالش روان شود. طبیعی است که در چنین صورتی نماز او باطل شده، اما پس از نماز وی را مورد بازخواست قرار نمی‌دهیم، بلکه بعدها در فرصتی مناسب، به صورتی دوستانه و حتی با خنده و شادی می‌توانیم به او تفهیم کنیم که اشتباه کرده و نمازش باطل شده است. در ضمن سعی داریم، در طول مدت سال‌ها، به تدریج و در مورد وقوع مبطلات نماز، مقدمات و مقارنات آن را به او بیاموزیم. هرگز نمی‌خواهیم که او مقدمات نماز و یا مبطلات آن را طوطی‌وار حفظ کند و برای ما بشمارد. حفظ مطالب، غیر از فهم عملی آن‌هاست.^۱

والدین و مربیانی که اصرار دارند، حتی از روی جبر و اکراه، بدون توجه به حال و روحیه کودک، او را نمازخوان بارآورند، ناخودآگاه لامذهب‌های آینده و افرادی عقده‌ای را می‌پرورانند. چنین افرادی در نخستین فرصتی که به قدرت و استقلالی دست یابند ترک دین و عبادت خواهند گفت و ما شواهد و نمونه‌ها در این زمینه کم نداریم. طبیعی است که مسئولیت چنین وضعی بر عهده کسانی است که چنین زمینه‌ای را فراهم ساخته‌اند. هدایت و تربیت آدمی امری تدریجی است و مبتنی بر استعدادهای آدمی، زیرا استعدادهای انسان به تدریج بر مبنای توانایی‌هایش شکوفا می‌شود؛ و مرتبه پذیرش دین و نیز دینداری در مراتب مختلف‌اند، و اگر این حقیقت که آدمیان به شدت متفاوتند و در مراتب گوناگون قرار دارند، در هدایت و تربیت ملاحظه نشود و انتظارات دینی متناسب با استعداد و توانایی مردمان نباشد و تدرج در سلوک دینی صورت نپذیرد، دین و دیندار آسیب می‌بیند.^۲

۱. عزیزی، عباس؛ آثار و برکات نماز در دنیا و آخرت؛ ص ۱۳۷.

۲. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی؛ ص ۱۷۵.



از این پس نمی‌توان انتظار داشت که در یک شب یا یک ساله، کودک به تحمل انجام نماز عادت کند؛ بلکه باید به تدریج آن را بیاموزد، به رموز آن پی برد و خود را به آن خو دهد. شاید بدین سبب است که معصومان علیهم‌السلام حدود هشت سال را برای این امر اختصاص داده و توصیه کرده‌اند که آموزش نماز، از سجده شروع شود و به تدریج به نماز کامل برسد.

در این فرآیند، به موازات رشد کودک، آموزش نماز جدی‌تر و کامل‌تر می‌شود؛ تا در سن ۹ و ۱۰ سالگی به اوج خود می‌رسد؛ زیرا این سنین در روند شکل‌گیری شخصیت کودک بسیار مهم است و در این سنین - ۹ تا ۱۵ سالگی - اگر عادت به نماز ایجاد نشود، عادات دیگری جای آن را می‌گیرد و ایجاد عادت به نماز به مراتب مشکل‌تر خواهد شد.^۱

دیدگاه مرحله‌ای: ساحت‌های رشد شناختی، عاطفی، بدنی و رفتاری را بر اساس مرحله‌های چندگانه مقطع‌گذاری می‌کند. هر مرحله می‌تواند از دو تا هفت سال متغیر باشد. در روایت‌های تربیتی اسلامی، مرحله‌بندی سنی سه‌گانه فراوانی بیشتری دارد. برخی از این روایت‌ها، فرایند رشد را سه برهه‌ی زمانی شش‌ساله و بعضی دیگر سه برهه‌ی هفت‌ساله را معیار قرار داده‌اند. بر اساس مرحله‌بندی شش‌ساله، فرایند اساسی رشد تا هجده سالگی و بر مبنای مرحله‌بندی هفت‌ساله، این فرایند تا سن بیست و یک سالگی پیش می‌رود. در این باره امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: کودک هفت سال آزاد است و هفت سال مورد ادب و توجه و هفت سال دیگر مورد خدمت و یاور است.^۲

بدین‌سان ما نباید بخواهیم و یا نباید انتظار داشته باشیم که فرزند در یک شب، اهل عبادت و نماز شود. برنامه‌ی واداشتن و عادت‌دادن او به نماز باید بر

۱. فرهادیان، رضا؛ *عوامل آموزش و گرایش به نماز*؛ ص ۲۰.

۲. مجلسی، محمدباقر؛ *بحارالانوار*؛ ج ۶۵، ص ۶۵.

اصل تدریج مبتنی باشد. جوان نباید یکباره بار سنگینی از وظایف دینی را بر دوش خود احساس کند و خود را به انجام‌دادن آن موظف بداند. حتی در مسأله وضو که مقدمه‌ای واجب برای نماز است.^۱

برای ایجاد رغبت به نماز تنها با ارائه اطلاعات و محفوظات دینی به فرزندان نمی‌توان به مقصد رسید؛ بلکه در راستای آن پرورش احساس مذهبی نیز ضروری است. به‌طور کلی برای ایجاد شور و شوق و رغبت به نماز، نیاز به پرورش احساس مذهبی و برای مداومت و پایداری رفتار مذهبی نیاز به شناخت دین و اهمیت آن در زندگی است و حصول این دو در سایه رعایت یک‌سری اصول تربیتی ممکن است هرگز نباید به اجبار و تحمیل و فشار، دانش‌آموزان را به انجام فریضه نماز وادار کنیم. برای ترغیب جوان به نماز باید، تدریجاً زمینه‌سازی شود.

۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ نقش فعالیت‌های فوق برنامه در تربیت نوجوانان؛ ص ۲۵.

نتیجه گیری

برای ایجاد مدینه فاضله‌ای جهانی، به سبک زندگی اسلامی لازم است که زمینه‌سازی‌ها از خانواده آغاز شود و در مسیر مدرسه، این زمینه‌ها تقویت شود که توجه به این مهم در آموزه‌های دین اسلام و سیره معصومین علیهم‌السلام بیان شده است، برای والدین لازم هست که به امور مذهبی و تکالیف شرعی و دینی خود عامل باشند، و والدین باید در کنار علنی کردن این اعمال و رفتار دینی می‌بایست، دانش تربیتی لازم را کسب و مهارت خود را افزایش دهند و در آموزش احکام و معارف نماز برای فرزندان و جوانانشان کوشا باشند و در مقابل خدای ناکرده، اگر والدین اهل نماز نباشند، نمی‌توان انتظار داشت که فرزندان آنها نمازگزار باشند و نمی‌توان تمام مسؤلیت‌ها را برعهده روحانیت و حوزه‌های علمیه گذاشت. در جامعه اسلامی چنان است که اگر والدین از هنگام کودکی فرزندان‌شان به فکر پرورش و تربیت مذهبی فرزندان خود نباشند و به‌صورت تدریجی تفکر و احساس مذهبی را در نهاد فرزند خود نهادینه نکرده باشند، بالطبع تربیت فرزند و جوانی نماز خوان، کار بسیار دشواری خواهد بود و نمی‌توان جوان را در یک مدت کوتاه نماز خوان نمود.

در سبک زندگی اسلامی نقش دوستان و اطرافیان فرزندان نیز دیده شده و والدین باید در انتخاب محل آموزشی فرزندان خود دقت لازم را داشته باشند. در عصر کنونی که عصر ارتباطات است، حتی فضای مجازی را می‌توان به‌عنوان دوست و رفیق برای فرزندان تلقی نمود.

در آموزه‌های قرآنی همیشه به جادوی محبت و مهرورزی اشاره شده است و در روایات متعددی مهر و محبت والدین یکی از مهم‌ترین عوامل اطاعت و الگوپذیری از والدین معرفی گردیده است و والدین با ابراز محبت به آنها

می‌توانند، معبری را برای ترغیب جوان به آموزه‌های اسلامی قرار دهند و احساس مذهبی او را در ادای فرای دینی و خصوصاً نماز قرار دهند. همان‌طور که در روایات تأکید فراوان به محبت گردیده است، در علوم روان‌شناسی نیز بیان شده که فرزندان از ناتوانی خود و همچنین از تبعیت از والدینش آگاهی و اطلاع کامل دارد، به طوری که در تصور فرزند، والدین تنها برآورده کننده نیازهای مادی و دنیوی او می‌باشند و این که فرزندان در مرحله اول یا دوم رشد در دوران کودکی‌شان باشد تفاوت نمی‌کند، ولی در دوران اولیه حیات فرزندان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا این مرحله موصوف به ویژگی بازی است که کودک با عدم تمیز مواجه است، در حالی که مرحله دوم رشد، موصوف به ویژگی تمیز است؛ چراکه این مرحله همراه با تأدیب و تنبیه است که البته در جای خود بیان خواهد شد.

در روابط والدین با فرزندان، حتی توجه و تأمین علائق جوانان، موجب رضایت خاطر آنها می‌شود و بر شادکامی زندگی افزوده، در نتیجه آنها نیز در صدد جلب رضایت والدین بر می‌آیند. صورت فقدان شرایط برای تأمین بعضی از علائق، خود بیان این مطلب به صورتی صادقانه تأثیری مثبت بر روابط خواهد داشت. و اگرچه نمی‌توان از علاقه فرزندان سوء استفاده کرد، ولی می‌توان به‌عنوان عاملی برای ترغیب و تشویق استفاده نمود.

در سیره اسلامی جایگاه مربی و معلم هم دیده شده است. معلمان نقش بسزایی را در تربیت جامعه‌ای نماز خوان را ایفا می‌کنند، انتظار می‌رود که معلمان و کادر آموزشی در مدارس و خصوصاً دانشگاه‌ها با ظرافت و هوشیاری خاصی عمل کنند، ویژگی‌های دوره نوجوانی و جوانی را بشناسند، در برابر سؤال‌های گوناگون مذهبی جوان، و خصوصاً مسائل عقیدتی، شکیبایی ورزند و جواب‌های روشن و شفافی به آنان بدهند و مربیان دلسوز تمام صبر و اهتمام



خود را برای پرورش دانش آموزان و دانشجویان جوان خود هزینه کنند و مربیان می‌بایست در کنار آموزش علم، به تربیت روانی و مذهبی جوانان نیز جواب‌گو باشند، چرا که مدرسه خانه دوم هر فردی می‌باشد و مربیان نیز همانند پدران علمی به حساب آورده می‌شوند.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

** نهج البلاغه؛ مترجم: محمد دشتی، انتشارات الهادی، ۱۳۸۳ ش.

۱. ابوصالح، حسان عبدالله؛ رساله الحقوق؛ مترجم: محمدجواد خلیلی، قم: انصاریان، ۱۳۸۳.

۲. اتکینسون، ریتا؛ زمینه روان‌شناسی؛ ترجمه: محمدنقی براهنی؛ چ ۱۶، تهران: رشد، ۱۳۸۱.

۳. احمدیار، محمدحسین؛ رساله الحقوق؛ چ ۱، تهران: یاس بهشت، ۱۳۹۷.

۴. اسمی، رضا؛ نقش نماز در بهداشت روانی فرد و جامعه؛ قم: مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۷۷.

۵. افروز، غلامرضا؛ روش‌های پرورش احساس مذهبی؛ چ ۲، قم: الهادی، ۱۳۷۱.

۶. امام خمینی، روح الله؛ آداب نماز؛ چ ۴، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۳.

۷. بهشتی؛ تربیت از دیدگاه اسلام؛ قم: ستاد اقامه نماز قم، ۱۳۸۳.

۸. پناهی، علی احمد؛ آرامشی در پرتو نیایش؛ قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴.

۹. تاج لنگرودی، محمدمهدی؛ نماز در خانواده؛ قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۰. جمعی از نویسندگان؛ نماز و خانواده؛ تهران: انجمن اولیا و مربیان؛ ۱۳۸۷.

۱۱. جمعی از نویسندگان؛ نماز و نوسازی معنوی؛ قم: ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۷.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسین؛ وسائل الشیعه؛ مصحح: عبدالرحیم ربانی، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷.
۱۳. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی؛ تهران: دریا، ۱۳۸۴.
۱۴. رهنمود، زهرا؛ حکمت هنر اسلامی؛ تهران: حوزه هنری، ۱۳۷۶.
۱۵. ریچارد، بری؛ روان‌کاوی فرهنگ عامه؛ ترجمه: حسین پاینده؛ تهران: انتشارات ثلث، ۱۳۸۸.
۱۶. سادات، محمدعلی؛ اخلاق اسلامی؛ تهران: [بی‌نا]؛ ۱۳۹۶.
۱۷. _____؛ راهنمای معلم، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی؛ پنجم، ۱۳۸۴.
۱۸. سبحانی، جعفر؛ شرح رساله حقوق سیدالسادین؛ قم: انتشارات امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۸.
۱۹. شریعتمداری، علی؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۰.
۲۰. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر؛ نقش فعالیت‌های فوق برنامه در تربیت نوجوانان؛ تهران: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲۱. شعبانی، اکبر؛ روان‌شناسی تربیت کودک در سیره معصومین علیهم السلام؛ تهران: مبین اندیشه، ۱۳۹۴.
۲۲. شکوهی، غلامحسین؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
۲۳. طبرسی، رضی‌الدین؛ مکارم الاخلاق؛ بیروت: دارالحوراء، ۱۴۰۸ق.



۲۴. عابدی، علی‌اکبر؛ شناخت روش‌های مؤثر در برقراری ارتباطات میان فردی؛ رشت: دهسرا، ۱۳۸۹.
۲۵. عابدینی، محمدرضا؛ سیره تربیتی پیامبران؛ تهران: عطش، ۱۳۹۵.
۲۶. عزیزی، عباس؛ سیمای نماز؛ قم: انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
۲۷. _____؛ آثار و برکات نماز در دنیا و آخرت؛ قم: نبوغ، ۱۳۷۹.
۲۸. عیسی‌فر، احمد؛ ابعاد روان‌شناختی و تربیتی کودک، نوجوان و جوان؛ تهران: رایحه عترت؛ ۱۳۹۱.
۲۹. فتحی، یکن؛ آسیب‌شناسی دعوت اسلامی؛ تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۷۰.
۳۰. فرهادیان، رضا؛ عوامل آموزش و گرایش به نماز؛ گلستان قرآن؛ شماره ۷۹، ۱۳۸۰.
۳۱. فروزنده دهکردی، لطف‌الله؛ مدیریت اسلامی و الگوهای آن؛ تهران: دانشگاه پیام نور؛ ۱۳۸۶.
۳۲. فلسفی، محمدتقی؛ گفتار فلسفی: کودک از نظر وراثت و تربیت؛ قم: دفتر فرهنگ اسلامی؛ ۱۳۸۷.
۳۳. قاسم‌پور، علی محمد؛ مرواریدهای مهجور؛ کاشان: مرنجاب، ۱۳۸۳.
۳۴. قائمی، علی؛ اقامه نماز در دوره کودکی و نوجوانی؛ تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۷.
۳۵. قرائتی، محسن؛ پرتویی از اسرار نماز؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛ ۱۳۷۵.
۳۶. کریمی، عبدالعظیم؛ نماز و خانواده؛ تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۲.



۳۷. کریمی نیا، محمدعلی؛ نماز و حکایت‌ها و روایت‌ها؛ قم: کوثر، ادب، ۱۳۸۵.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب؛ فروع کافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۹. مجموعه نویسندگان؛ هوش معنوی؛ تهران: روان‌سنجی؛ اول، ۱۳۸۸.
۴۰. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۱. مطهری، مرتضی؛ طهارت روح؛ تهران: نشر نماز، ۱۳۷۱.
۴۳. نوری، میرزا حسین (محدث)؛ مستدرک الوسائل؛ قم: آل‌البتیة؛ ۱۳۶۸.
۴۴. وحدت‌پناه، علیرضا؛ نماز و جامعه‌شناسی؛ چ ۱، قم: ستاد اقامه نماز؛ ۱۳۷۹.